

آوا

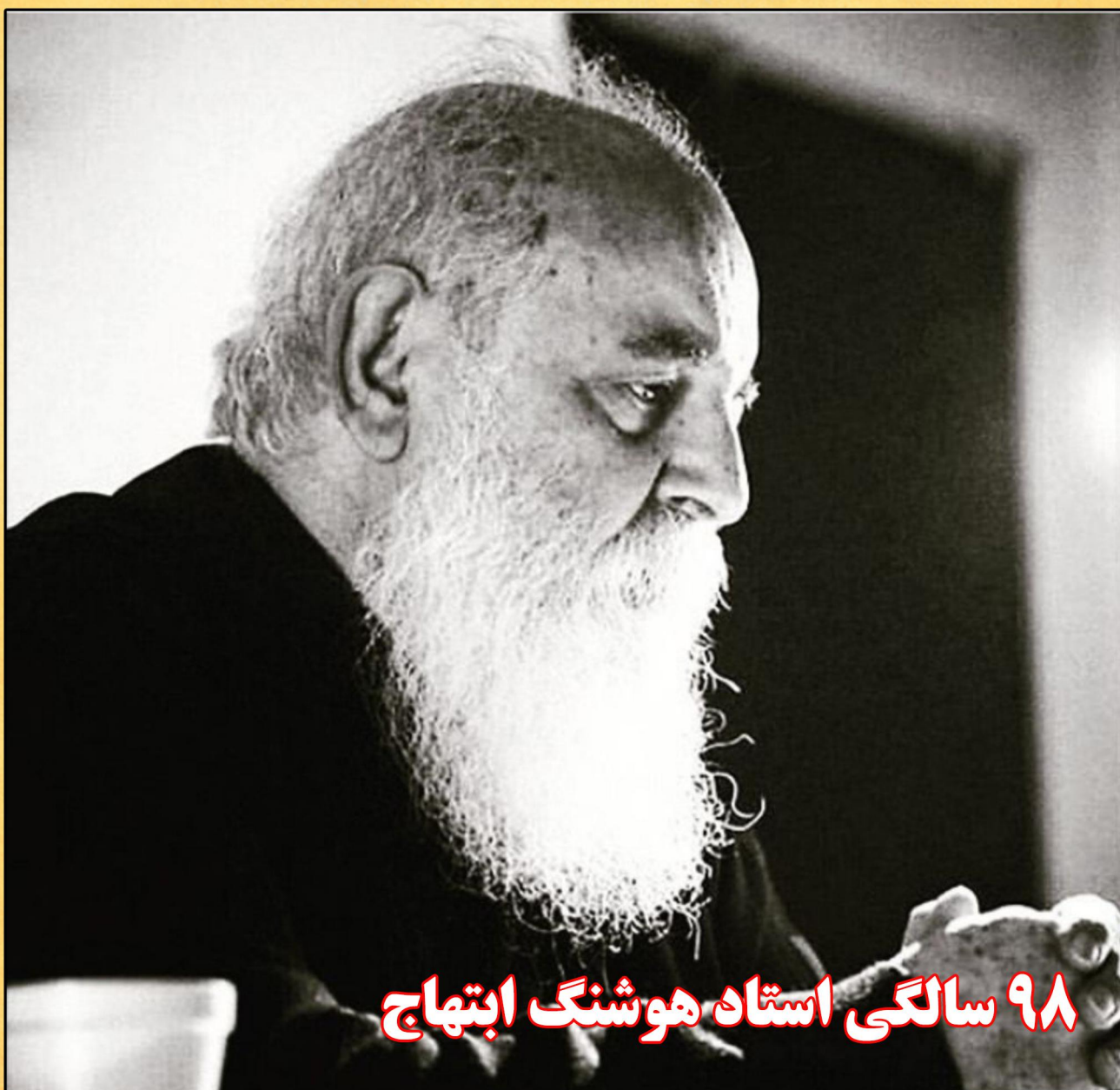
۴ دولت وقت شناسی

۱۰ بزرگداشت امیر هوشنگ ابتهاج

۱۲ سال ۹۶ چگونه گذشت

۱۳ سرگرمی و تست هوش

سال دوم | شماره یازدهم | اسفند ۹۶ | ۱۰۰۰ تومن
ماهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی



۹۸ سالگی استاد هوشنگ ابتهاج



ماهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی
دانشگاه گلستان
سال دوم شماره | یازدهم | اسفند ۹۶

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

رضا بشارتلو

سر دبیر:

سید سجاد میرعمادی

دبیر محتوایی:

حانیه سادات موسوی

ویراستاران:

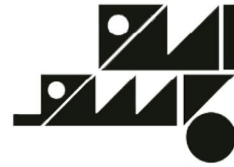
فاطمه اسلامی، ملیحه دهقان

گرافیک و صفحه آرایی:

سینا مرادحسینی و امیررضا کاظمی
(گروه طراحی دانشجویگراف)

هیئت تحریریه:

سجاد میرعمادی، علی آقایی، زهرا یحیایان
غزل کیا، شبنم میکاییلی، حانیه سادات موسوی
فاطمه سادات بنی کریمی



پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:
کَمَا تَكُونُوا يُؤَلَىٰ عَلَيْكُمْ.
؛

هر طور باشید همانگونه بر شما
حکومت می شود.

نهج الفصاحه ص ۶۱۶، ح ۲۱۸۲

فهرست مطالب

۴ | دولت وقت شناس

۵ | تفریح یا دورهمی اجتماعی؟

۶ | روایتی از خونه بغلی

۷ | حفظ محیط زیست

۸ | معرفی کتاب "مزرعه حیوانات"

۹ | معرفی فیلم "سالی"

۱۰ | ۹۸ سالگی استاد هوشنگ ابتهاج

۱۲ | سال ۹۶ چگونه گذشت؟

۱۳ | سرگرمی و تست هوش

۱۵ | شعر دانشجویی

در صورت تمایل به چاپ آثار می توانید مطالب
خود را مطابق رسم الخط آوا که منطبق با آیین
های نگارشی فرهنگستان زبان و ادب فارسی است،
به آدرس ایمیل نشریه ارسال بفرمایید. طبیعی است
حق تلخیص و ویرایش مطالب برای آوا آزاد است.
لازم به ذکر است برای اطلاع از پذیرفته شدن آثار
صرفاً از طریق ایمیل اقدام نمایید.

2110726040m@Gmail.com

@iamsajawd

کانال تلگرام نشریه:



سخن آغازین

سپاس فراوان خدای را که ما، آسمان ها و زمین و شب و روز را آفرید
و فصل های مختلف را به وجود آورد...
در روز های آخر سال هستیم و نو بهار نزدیک است و هم اکنون مفتخر
هستیم تا آخرین شماره ی آوا در سال ۱۳۹۶ به دست شما عزیزان
برسانیم . ماهنامه ای که سعی داشته آواکی دانشجویان دانشگاه
گلستان را به دست شما خوانندگان عزیز برساند.
در این روز های پایانی سال جا دارد تشکر کنیم از همه عزیزانی
که با ما همکاری کردند چه کسانی که در این شماره در بین ما بودند و
چه کسانی که در شماره های قبلی در جمع ما حضور داشتند. و جا دارد تشکر
و ویژه را از تمام کسانی داشته باشیم که ما را با وجود همه ی کم و کسری
ها ما را حمایت کردند.
آرزو داریم که در سال نو بتوانیم باز هم در کنار هم باشیم و در کنار هم
پیشرفت کرده و سالی خوب و شوق و همیشه به شادی سپری کنیم.

سید سجاد میرعمادی
سر دبیر نشریه آوا



دولت وقت شناسی

علی اسلانی کتولی
ورودی ۹۴ عمران

اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به تصمیم گیری واداشته می شود.

البته نباید از حق گذشت که بخشی از علل تأخیر در تصمیم گیری ناشی از ناهماهنگیهای فرادولتی است، اما تاکنون در اینگونه موارد شیوه ی دولت تسلیم شدن به علل بیرونی بوده است، که این هم از نشانه های تأخیری عمل کردن دولت است. به این مسئله هم باید صریح تر اشاره کرد که "ناهماهنگیهای درون دولتی" نیز عامل تأخیر در تصمیم گیری و شکست در اجراست. نقش یک رئیس جمهور در چنین شرایطی بیشتر اهمیت می یابد. او باید از یک سو عوامل شکست در تصمیم گیری به هنگام راه اندازی دولت خارج کند و از سوی دیگر باید بتواند نقش تمام کننده را در تصمیمات ایفا کند.

فارغ از بحث دولت، لازم است تأکید کنم که اهمیت وقت شناسی در تصمیم، به عنوان یک شاخص حکمرانی خوب، تنها به قوه ی مجریه محدود نمی شود. قوه ی مقننه نیز با به تأخیر انداختن اصلاح قوانین در نقصان حکمرانی مقصر است. مدت زمان اصلاح قوانین مهم در مجلس گاه به بیش از ۱۰ سال هم میرسد. نمونه ی آن قانون تجارت که از سال ۸۴ تاکنون در مجلس چرخ می خورد. در قوه ی قضائیه نیز تأخیر در تصمیمات اصلاحی موجب شده که امروز بیش از ۱۵ میلیون پرونده ی اختلاف و دعوی وجود داشته باشد. من به این میزان بسنده می کنم و می گویم که تصمیم به وقت نگرفتن بسیار به کشور لطمه زده است و این لطمات در آینده بیشتر هم خواهد شد. عاقلان را اشارتی کافیست...

نشود و دست دولت هم از نظارت بر واحدهای واگذار شده کوتاه شود.

عکس این رفتار در دولت آقای روحانی به چشم می خورد. ایشان علیرغم اینکه برای اجرای سیاستهای مهمی چون اصلاح قیمتهای حاملهای انرژی، برخورد با مؤسسات مالی غیرمجاز، ایجاد انضباط در نظام بانکی، مقررات زدایی و چندین مسئله ی دیگر باید در دولت نخست خود تصمیم گیری و اقدام می کرد، این تصمیمات را به تأخیر انداخت و موجب گردید که اندازه ی این مشکلات بزرگتر و در نتیجه اتخاذ تصمیم و اجرا سخت تر شود.

تعمیل در تصمیم گیری و اجرا، که از ویژگیهای دولتهای پوپولیست در همه جای دنیاست، تا حد زیادی قابل فهم است. این دولتها اهمیتی به آثار بلند مدت تصمیمات خود نمی دهند. آنچه برایشان مهم است نتایج کوتاه مدت و جلب نظر مردم است. پس تکلیف این دولتها مشخص است و نیاز به تحلیل بیشتر علل و عوامل تعجیل در تصمیم گیری نیست.

از این جنس دولتها که بگذریم، در خصوص سایر دولتها موضوع وقت شناسی در تصمیم و اجرا، نشانه ای از عمق کار کارشناسی، کارآمدی بوروکراسی دولتی، یکپارچگی سطح ارشد کابینه و تفوق مدیریت علمی به مدیریت سیاسی است.

در دولت جناب آقای روحانی تعداد تصمیمات درست بیشتر از تصمیمات غلط بوده است، اما مشکل این است که در توجه به زمان اجرای تصمیمات و اجماع سازی در دولت، کاستی آشکار به چشم می خورد. دولت دوم آقای روحانی در شرایطی قرار گرفته است که یک انبان کار نکرده و تصمیم نگرفته به همراه خود دارد و بیش از آنکه مختار به تصمیم گیری باشد به جبر فشارهای

حکمرانی خوب از مباحثی است که در یک سال گذشته توجه صاحب نظران داخلی را بیش از پیش به خود جلب کرده است. نظر غالب بر این است که ما در توجه به الزامات و چارچوب حکمرانی خوب کوتاهی داشته ایم و شیوه ی اداره ی کشور از این بابت کاستی های بسیار دارد. به گمان من در تعریف حکمرانی خوب و شاخصهای آن یک شاخص مهم دیده نشده است. این شاخص را من "وقت شناسی" می دانم. وقت شناسی در حکمرانی به معنی "داشتن فهم درستی از زمان مناسب اتخاذ تصمیم و اجرای سیاستها" است.

وقتی به رفتار دو دولت حال و قبلی کشور نگاه می کنم، دو رفتار متفاوت را از منظر شاخص وقت شناسی در آنها مشاهده می کنم. در دولت آقای احمدی نژاد رفتار تعجیل در تصمیم و اجرا مشهود بود و در دولت آقای روحانی تأخیر در تصمیم و اجرا. بطور مثال زمانی که سیاستهای اصل ۴۴ به دولت اول آقای احمدی نژاد ابلاغ شد ایشان ظرف مدت ۴۸ ساعت پس از ابلاغ تصمیم گرفت که ۴۰ درصد از سهام قابل واگذاری را بصورت رایگان یا نیم بها به دهکهای کم درآمد واگذار کند. به عبارتی برای رقمی در حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان از دارایی دولت، و شاید بیشتر، بدون انجام هیچ کار کارشناسی ظرف مدت ۴۸ ساعت تصمیم گیری شد! نتیجه ی آن را هم امروز می توان دید، نه تنها چیزی نصیب گروههای کم درآمد نشد، بلکه مانعی جدی در مسیر توسعه ی بنگاههای مشمول این حکم ایجاد شد و آنها را در افزایش سرمایه، استفاده از مدیران کارآمد و شفافیت به بیراهه کشاند. یا در نحوه ی واگذاری بنگاه های دولتی، با تعجیل در واگذاری، بدون برنامه ریزی و هدفگذاری مشخص، موجب شد هیچ یک از اهداف خصوصی سازی محقق

زهرا یحیایان
پژوهشگری ۹۴

تفریح یا دورهمی اجتماعی؟

تو سکوت خونه خاطرات سراغم میان ولی اینجا حداقل رفت و آمدی هست و زندگی جریان داره.»

انیمیشن کار است و به گفته خودش کمترین بی حواسی کافی است تا کل کارش به هم بریزد: «آدمهایی که تنها میان در واقع از بقیه دوری میکنند و ترجیح میدن کنار آدمهایی باشن که غریبه ان»

خیلی ها به کافه می آیند چون کافه گردی بخشی از انتخاب های آنها برای زندگی امروزی است، زندگی که بیشتر در ویتترین شبکه های اجتماعی ساخته و به نمایش گذاشته میشود و چه جایی خوش رنگ تر از کافه ها برای این نمایش!

چند میز آنطرف تر دختری با روسری روشن نشسته، بیست و چند ساله به نظر میرسد. لنز دوربین اش را روی بشقاب غذا تنظیم می کند و چند بار شات میزند. حالا نوبت چک کردن عکس هاست. ظاهرا راضی نمیشود و زاویه را عوض می کند اما فایده ای ندارد.

در نهایت به یک سلفی با دوست همراهش رضایت می دهد. اینجا هر میز داستان خودش را دارد، میز بزرگ دم در، میزبان گروهی ۹ نفره متشکل از ۴ پسر و ۵ دختر است هر کدام نگاه شان به صفحه روشن تلفن همراه دوخته شده، یکی عکس میلک شیکش را تلگرام می کند، یکی در حال هشتگ نویسی پست اینستاگرام است و دیگری هم درباره ی جذابیت های این کافه توئیت می کند. کافه نشینی و زندگی روزمره در کافه ها علاوه بر جنبه های تفریحی و فراغتی همواره کارکرد های اجتماعی و فرهنگی و فراتر از این ها کارکرد های سیاسی داشته، آنقدر که مبنای نظریه پردازی های مهمی در علوم اجتماعی شده اند. مثلا نظریاتی که هابرماس درباره ی فضای عمومی داشته است. او ریشه های تاریخی و مکانی ظهور حوزه ی عمومی را در سالن ها و مجامع عمومی بحث های آزاد و علنی پیگیری میکند. از جمله باشگاه ها، کافه ها، روزنامه ها و مطبوعات که در واقع طلایه دار و پیشگام روشنگری ادبی و سیاسی به شمار می آیند. حوزه یا حوزه های عمومی در هر فضایی تشکیل می شود که در آن تعقل و گفت و گو درباره ی مسائل عمومی صورت گیرد. گسترش حوزه ی عمومی در واقع تابع پیدایش امکان گفت و گو و تعقل آزاد است. اما آیا کافه های امروزی می توانند چنین کارکرد هایی را در جامعه موجب شده و تقویت کنند؟!

خانه ی فنجان ها و طعم ها، فضایی با شش پنجره بزرگ شیشه ای که تصویر خیابانی بدون هیایو را قاب گرفته است.

نور ملایم زرد رنگی روی میز و صندلی های چوبی را تاریک و روشن کرده و روی بزرگترین دیوار آجری کافه به قدر ۲۰ وجب، طاقچه ای وجود دارد که کتاب ها در آن جا خوش کرده اند.

شش ساعتی از ظهر گذشته و کافه نشین های امروزی از راه میرسند، باز و بسته شدن در، هوای کافه را جا به جا میکند. بعضی ها کوله ای بر دوش دارند و تنها می آیند بعضی ها هم با هم.

رامین مترجم است و کافه داری شغل دوم اوست. مدام با تیزی سبیل های قهوه ای و قاجاری اش بازی میکند: «همیشه از مشتری هام واسه خودم داستان میسازم. گفت و گو های مردم جالبه، اینکه هزار نوع رابطه و هزار نوع برخورد مختلف وجود داره، اونقدر معاشرت آدمارو دیدم که میتونم بگم کی با کی دقیقا چه نسبتی داره. مثلا اونهایی که حسابشون دنگیه، معلومه که چند سالی باهم بودن و سنگ هاشونو از هم واکنندن، اما امان از وقتی که هر دو طرف میگن از کارت من حساب کن.»

لیوان های شربت های رنگارنگ را از یخ پر کرده و لیوان های چرب بستنی را راهی سینک میکند... «مردم تو کافه ها خود واقعی شون هستن مخصوصا اونایی که تنها میان انگار میخوان هیچ کس نباشه. بنظرم خیلی از آدمها بخش افسرده ی پنهون وجودشونو به کافه میان.»

چند قاشق دانه آسیاب شده قهوه را در قهوه جوش میریزد و دور میله بخار می چرخاند تا فقط سطح قهوه را بخار دهد و قهوه به آرامی کف کند... یک لیوان خیلی قد کوتاه را از آب معدنی پر میکند و میگذارد کنار نعلبکی: «اینجا همیشه شلوغه اما برای قرار های دو تا چند نفره. خیلی از کافه نشین های نسل جدید نمیخوان جایی براشون پاتوق باشه و دوست دارن به هر کافه ای سر بززن. درواقع کافه نشین ها کافه گردی میکنند و تنها نشین ها بیشتر کافه هارو پاتوق خودشون میکنند.»

یکی از تنها نشین ها آرمین است، پشت آخرین میز دو نفره کافه نشسته و هر یک ربع یک بار نگاهش را از گوشه عینک بالا میکشد. نفسش به چای گرم میخورد، شیشه های عینکش بخار کرده: «خیلی از روزای زندگی من با در و دیوارای کافه شب شده، از روزی که عاشق شدم تا به الان که چهار ماهی از جداییم گذشته.



علی آقایی
پژوهشگری ۹۵

روایتی از خونه بغلی



زنده میکنم و به تو برمبگردانم ولی آیا به یاد داری که در فلان روز گوسفندی کشتی و آن را کباب نموده با اهلت خوردی و به فلانی و فلانی که همسایه تو و روزه دار بودند چیزی ندادی؟ (کنایه از این که این بلا بسبب بی توجهی تو به آن همسایه است.)

ای که بر مرکب رهوار سواری هشدار
خرهیزم کش همسایه تپیده به گل است

آتش از خانه همسایه درویش مخواه
کانچه برروزن او میگردد دود دل است

در حین حال باید توجه داشت که رعایت حقوق همسایه مخصوصاً در عصر امروز که اکثر ساختمان ها آپارتمانی میباشند، بیشتر از کمک کردن به آنها اهمیت دارد و بیشتر از هرچیزی باید به آن توجه داشت زیرا کمک به اطرافیان در حین اینکه موجب رنجش و آزار آنها شویم هیچ ارزشی ندارد. بنابراین باید سعی کنیم جشن ها و مهمانی هایمان را به گونه ای برگزار کنیم که موجب مزاحمت همسایه ها نشود. متأسفانه بعضی از افراد با رعایت نکردن این نکات موجب آزار و اذیت دیگران میشوند و به راحتی مهر و محبت را از یک ساختمان دور میکنند، گاهی ممکن است شخصی در همسایگی ما بیمار باشد و نیاز به استراحت داشته باشد پس ما موظفیم که رعایت حال او را کنیم تا در شرایط مشابه دیگران ما را درک کنند...

در مورد کمک به همسایه داستان ها و حکایت های زیادی به زبان طنز و غیرطنز نقل شده است، ما نیز سعی کرده ایم انشایی کوتاه در رابطه با این موضوع برای شما عزیزان فراهم کنیم و از شما دعوت می کنیم تا پایان آن ما را همراهی کنید.

از زیباترین و پسندیده ترین کارها کمک به دیگران است. کمتر کسی وجود دارد که کمک به دیگران را دوست نداشته باشد. و انواع مختلفی دارد، اعم از کمک های مادی و غیر مادی، کمک های گفتاری و غیر گفتاری، کمک عملی، غیر عملی و...

اگر ما بتوانیم به دیگران یاری برسانیم (البته در جهت درست و پسندیده ی آن) متقابلاً آنها نیز تلاش میکنند تا کمک ما را جبران کنند و این امر موجب دوستی و صمیمیت بین دو فرد میشود.

همانگونه که شاعر میگوید؛

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار، دگر عضوها را نماند قرار...

یکی از بهترین این کمک ها، کمک به همسایه هاست که رضایت پروردگار را نیز به دنبال دارد و بسیار بر آن تاکید شده است.

همچنین پیامبر گرامی اسلام در این باره میفرمایند؛

«هر کس شبی سیر بخوابد در حالی که همسایه اش گرسنه است مسلمان نیست.»

از امام صادق علیه السلام نقل شده که پس از جدایی حضرت یعقوب و فرزندش یوسف فرزند دیگرش بنیامین نیز از او جدا شد این پیامبر بزرگ روزی در حال مناجات به درگاه خداوند عرض کرد بار الهی دوری از یوسف و نابینایی مرا کم بود که بنیامین را نیز از من گرفتی به او وحی شد ای یعقوب من اگر فرزندان را میرانده باشم برایت

حفظ محیط زیست

زهرا کلاته
روابط عمومی ۹۵

به تضعیف کیفیت محیط میشود و دیگر بازدهی زمین از بین رفته و فرصتی برای ترمیم زمین داده نمیشود.

همچنین اگر بخواهیم با نگاهی تاریخی به مسائل زیست محیطی بپردازیم، دلیل شکست بسیاری از تمدن های قدیم استفاده ی نادرست از زمین بوده است.

همچنین علت نابودی تمدن های سند و بین النهرین شور شدن سطح خاک هاست. علت وجود برخی از تمدن های بزرگ قدیمی استفاده از تکنیک آبیاری در کشاورزی است که به تمدن های آبی مشهور بوده اند.

امروزه انسانها تمایل زیادی به شهر نشینی دارند و این عامل سبب تشدید آلودگی و همچنین به دلیل ارزش بالای اقتصادی زمینهای شهری، به تدریج مراتع و جنگلها به منظور وسعت شهرها از بین میروند و این خود عامل به وجود آمدن مشکلات روحی روانی و نیز اخلاقی میشود و حل این مشکل نیازمند عزم جهانیست.

همچنین باید از تولید گازهای مضر در زمین جلوگیری و از نابودی جنگلها پرهیز کنیم و در حفظ و نگهداری این سیاره ی خاکی کوشا و آفریننده ی زمین را همواره شکر گذار باشیم.

و ما انسانها ناگزیریم که آنرا از نابودی نجات دهیم. و این هم فقط با مراقبت و کار و نیز عشقی که به این سیاره خاکی و آسیب پذیر خود می‌ورزیم امکان پذیر خواهد بود. سطح این سیاره خاکی حدود ۵۱۰ میلیون کیلومتر مربع بوده و تقریباً ۵ میلیارد سال قدمت دارد.

نزدیک به ۳۶۰ میلیون کیلومتر مربع آن را اقیانوسها و دریاها تشکیل میدهند. قریب ۱۴۸ میلیون کیلومتر مربع آن خشکی است این سیاره خاکی با این عظمت و با چنین امکاناتی حدود ۳ میلیارد سال محل زندگی انواع جانوران بوده است.

با پیدایش آدمیان و افزایش جمعیت آنها بیوسفر زمین به تدریج دستخوش تغییر شده است. هر فرد که به دنیا می آید به مقداری مواد اولیه و انرژی نیاز دارد که باید از منابع تامین شود. عدم کنترل تکنولوژی و استفاده ی نادرست از زمین تا حدودی زائیده ی جهل مداوم درباره کره ی خاکبست.

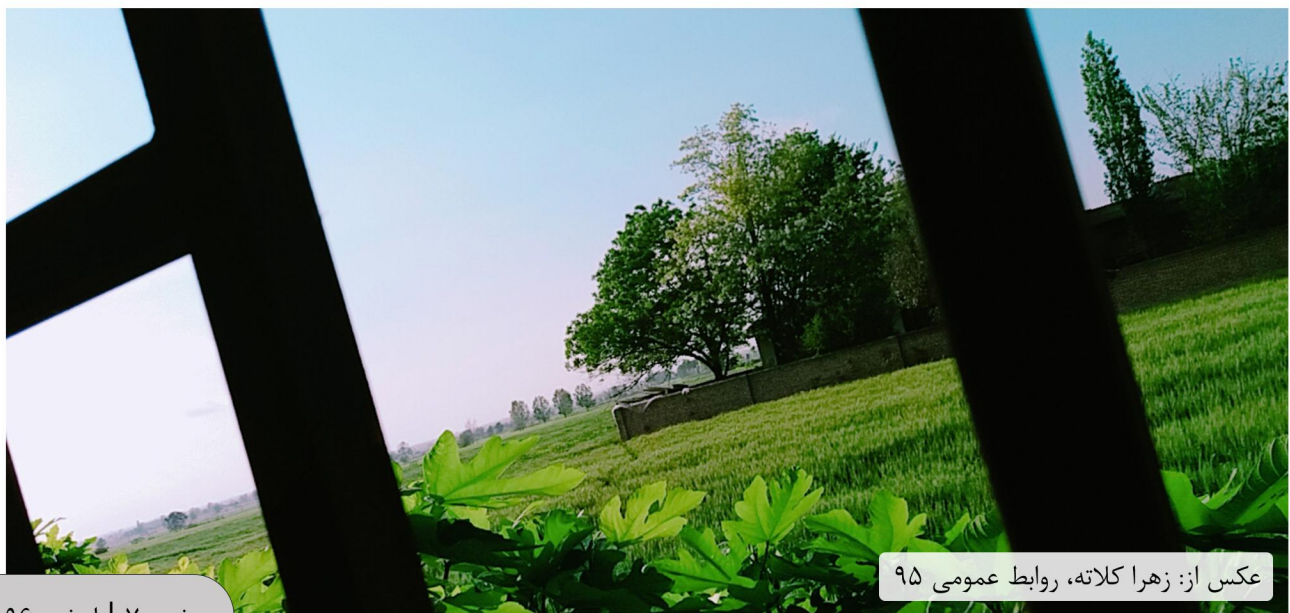
متأسفانه انسانهای امروزی برای به دست آوردن درآمد از نواحی اراضی نوعی کشت مداوم از یک گیاه (تک کشت) راه کار میبرند. لازم به ذکر است یکی از آثار مخرب کشاورزی جدید از میان رفتن تنوع وراثتی گیاهان و نابودی حیواناتی است که در برابر بیماری های گوناگون یا آفت بسیار آسیب پذیر هستند و به آسیب های وارده بر محیط زیست واکنش خاصی نشان میدهند که منجر

حمد و ستایش خداوند قادر و متعال را که خالق تمام جهان هستی است و در کتابهای آسمانی از جمله قرآن مجید، انجیل و تورات خالق بودن خداوند ذکر شده است.

تمام موجودات از تک سلولی گرفته تا کیهکشانه از آنچنان نظامی برخوردارند که امروزه دانشمندان با استفاده از تکنولوژی های گوناگون به اعجاز و شگفتی آن پی می برند. و اینگونه این باور در انسان شکل میگیرد که این جهان بی بهره از مدبری یگانه نیست. همچنان که سعدی میفرماید:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
که تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
ماساکن سیاره ای هستیم که ۷۵ درصد آن را آب اقیانوسها و دریاها تشکیل می دهد. در اثر تابش خورشید بر آب فرآیند بخار شکل میگیرد و در نتیجه ی صعود به بالا و قرار گرفتن در هوای سرد به اشکال مختلف باران، برف و تگرگ که نزولات آسمانی نامیده میشود به صورت بارش به زمین باز میگردد. و اینگونه زمین خشک و تشنه سیراب میشود و این خود اعجازیست که علم بدان پی برده است و در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است.

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ (آیه ۱۱ سوره زخرف)
کره زمین به اندوخته آسیب پذیر هوا، خاک، و آب وابسته است

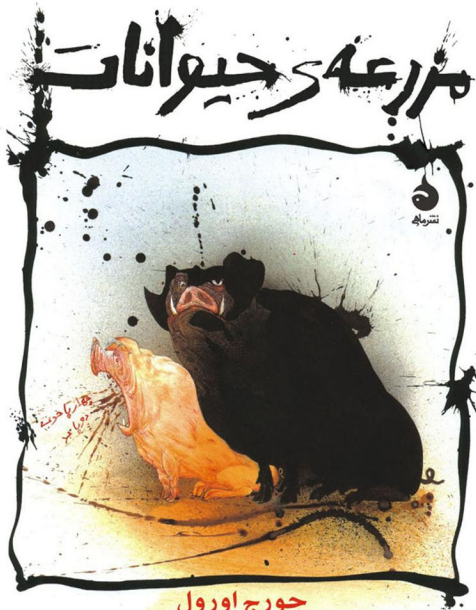


عکس از: زهرا کلاته، روابط عمومی ۹۵



سید سجاد میرعمادی
روابط عمومی ۹۵

مزرعه ی حیوانات



جورج اورول

تصویرگر: رالف استیوینسون
مترجم: احمد کسایی پور

اثری فوق العاده و زیبا از جورج اورول نویسنده ی انگلیسی درباره ی اتحاد جماهیر شوروی، که اورول آن را به یک مزرعه تشبیه کرده است و حیوانات آن به رهبری خوک ها به امید آزادی علیه اربابشان، رئیس مزرعه (انسان) شورش میکنند و او را از مزرعه اش فراری میدهند.

این شورش یک نظام مستبد جدید (اتحاد جماهیر شوروی) به جای رژیم دیکتاتوری سابق در مزرعه به وجود می آورد اما تغییری در وضع حیوانات مزرعه ایجاد نمیشود و فقط جای حاکمان تغییر میکند.

هر یک از حیوانات این داستان به نوعی نماینده ی قشر خاصی از مردم در جامعه ی حقیقی هستند که با وعده ی (برابری سهم غذای بیشتر و کار کردن برای خود نه برای انسان) توسط رهبران خود (خوکها) سخت کار و تلاش کرده و مطیع اوامر آن ها هستند.

در نهایت علاوه بر محقق نشدن شعار ها و اهدافشان زحمات آن ها نیز به نابودی کشیده میشود.

اورول در این داستان نمادین نشان میدهد که قدرت میتواند عالی ترین و ناب ترین آرمان ها را نیز به فساد کشد.

انقلابی که توسط میجر (بزرگ ترین خوک مزرعه) شکل گرفت و پس از مرگ او به رهبری سه خوک جوان (اسنوبال-اسکوئیلر و ناپلئون) آغاز شد و به پیروزی رسید. انقلابی که یقیناً در ابتدا با نیت هایی پاک آغاز، اما پس از به قدرت رسیدن به فساد کشیده شد.

معرفی فیلم "سالی"

فاطمه سادات بنی کریمی
روابط عمومی ۹۶

انجمن چندان از تصمیمات سالی خوشنود نیستند. وباید طی جریان بررسی پرونده جزئیات حادثه روشن شوند. برای مثال؛ در فیلم عنوان میشود که سیستم خلبان اتوماتیک قادر بوده هواپیمار ابادقت صددرصد طبق نقشه بر زمین فرود بیاورد. اما در واقعیت این سیستم نصف زمان به درستی عمل کرده است. با این اوصاف کشف پشت پرده ی پرونده ی این ماجرا جذاب و هیجان انگیز به نظر میرسد.

"نام هنکس" توانست شخصیت معقول، جدی و سرسخت "سالی" را که به طور تحسین برانگیزی با دانش و فداکاری خود، جان ۱۵۵ نفر را طی این حادثه و زیر این فشار شدید نجات دادارابه خوبی به تصویر بکشد. اجرای قوی هنکس قابل تحسین است اگرچه این نقش به پای نقش های بزرگی که او ایفا کرده است نمیرسد (هرچند تشابه فیزیکی او با سالنبرگر واقعی قابل قبول است) جذبه ی ذاتی هنکس ما را وادار میکند که سالی را دوست بداریم و به او باور داشته باشیم و این هدف اصلی فیلم است. "آرون اکهارت" به عنوان دستیار سالنبرگر، میتوان گفت تنها شخصیت دیگری است که حضور قابل توجهی در فیلم دارد. "لورالینی" ایفاگر نقش "لورین سالنبرگر" است که معمولاً او را در حال مکالمه ی تلفنی با شوهرش میبینیم.

"ایستوود" و فیلمبردارش "تام استرن" تصمیم گرفته بودند از دوربین های آیمکس برای ضبط "سالی" استفاده کنند. این ایده برای تماشاگرانی که فیلم را روی پرده های بزرگ میبینند، میتواندخبر خوشحال کننده ای باشد. حضور سالنبرگر در پشت صحنه فیلم همراه با عوامل تولید باعث شده "سالی" در به تصویر کشیدن روح و روان کاپیتان موفق باشد و از دل یک داستان شوم و از مدافته ی قهرمانی، یک اثر سرزنده ی غیرمعمول را بیرون بکشد.

"سالی" را میتوان جهش خوبی از فیلمهای پر سر و صدای تابستانی به آثار موقر پاییزی دانست.

می چرید و اگرچه شاید چندان مورد توجه داوران اسکار قرار نگرفت، اما "سالی" جذاب، نشاط بخش و دارای تعلیق است.

"ایستوود" کارگردان این فیلم، وقایع ابتدایی سال ۲۰۰۹ را به ترتیب وقوع زمانی روایت نمی کند بلکه روش زجرآور روایت به وسیله ی فلش بک های تکه تکه را به کار برده است. اگرچه دنبال کردن این فلش بک ها گیج کننده نیست ولی سایه ی سنگینی بر فیلم انداخته است و کمک چندان برای پیشرفت داستان نمیکند. "ایستوود" کاملاً هوشمندانه داستان فیلم را روی بازسازی دقیق و مو به موز حادثه و بررسی های هیئت ایمنی حمل و نقل ملی متمرکز کرده است.

"سالی" از مدارک موجود بهترین استفاده را کرده است و همچنین برای سینمایی تر کردن حادثه به بار، درام بودن آن افزوده است. اما آن گونه که باید نتوانسته است به بیان تاثیر روانی پساحادثه بر قهرمان اصلی داستان و رابطه اش با همسر او موفق باشد. به تصویر در آوردن صحنه ی پرواز، متقاعد کننده ترین بخش فیلمسازی در "سالی" است. دانستن پایان ماجرا از قبل توسط تماشاگران از شدت هیجان و تنش فیلم کم نمی کند.

کارگردان کارگشته ای چون "ایستوود" میدانند که چگونه توقعات بیننده را به نفع فیلم خود هدایت کنند.

کاپیتان "چسلی سالنبرگر" (با نام اصلی تام هنکس) و دستیارش "جف اسکیلز" (با نام اصلی آرون اکهارت) همانند همیشه نکات قبل از پرواز را از فرودگاه "لاگواردیا" چک میکنند. پس از این که دوموتور هواپیما در اثر برخورد با پرندگان از کار می افتد، او با اتکا به دانش و تجربه خلبانی خود میداند که امکان رسیدن به فرودگاه های اطراف را برای فرود اضطراری ندارد، بنابراین او تقریباً شش دقیقه وقت دارد تا هواپیما را بر روی رودخانه ی هادسون بنشاند.

در بیشتر قسمت های فیلم هیئت ایمنی حمل و نقل ملی، در تنش با قهرمان فیلم نشان داده میشود؛ چند تن از مقامات این



اکثر کسانی که فیلم "سالی" را که توسط "کلینت ایستوود" بازسازی شده است و موضوع آن در ارتباط با حادثه ی هواپیمای مسافربری سال ۲۰۰۹ در رودخانه ی هادسون را برای تماشا انتخاب می کنند، از طریق مطبوعات در جریان پرواز ۱۵۴۹ خطوط هوایی ایالات متحده ی آمریکا قرار گرفته بودند و به مدت چندین روز پیرو حادثه ی ۱۵ ژانویه بودند.

این اتفاق در صدر اخبار خبرگزاری های مختلف قرار گرفته بود و سوژه ی داغی برای شبکه های فرصت طلب ۹۰ ساعته ی خبرسانی هاشده بود.

این رویداد هم همانند تمام موضوعات دیگر، رفته رفته کم و بیش در سطح افکار مردم آمریکا کمرنگ شد.

با وجود زبان زد شدن این حادثه، منطقی به نظر میرسد که همه میتوانند سوال کنند که (آیا این ماجرای سقوط پتانسیل تبدیل شدن به یک فیلم بلند را دارد؟) در پاسخ میتوان گفت "سالی" با وجود تمام کاستی هایش نشان داده که پاسخ به این پرسش مثبت است.

فیلم با مدت زمان کوتاه ۲۱ دقیقه ای خود برای جریان پیدا کردن به موضوع اصلی، متوسل به موضوعات فرعی شده است. با تمام این اوصاف نقاط قوت آن بر ضعف هایش

۹۸ سالگی استاد امیر هوشنگ ابتهاج

حانیه سادات موسوی
پژوهشگری ۹۶

امیر هوشنگ ابتهاج متخلص به "ه الف سایه" در روز یکشنبه ۶ اسفندماه سال ۱۳۰۶ در رشت دیده به جهان گشود. پدرش آقاخان ابتهاج، از مردان سرشناس رشت به شمار می آمد و مدتی رئیس بیمارستان پور سینای این شهر بود. هوشنگ ابتهاج دوران تحصیلات دبستان خود را در رشت و دبیرستان را در تهران گذراند، و در همین دوران بود که اولین دفتر شعر خود به نام "نخستین نغمه ها" را منتشر کرد.

ابتهاج در دروان جوانی دلباخته دختری ارمنی به نام گالیا شد که در رشت ساکن بود و این عشق دست مایه اشعار عاشقانه ای شد که در ایام جوانی سرود. از ویژگی های اشعار او میتوان به مضامین گپرا و دلکش، تشبیهات و استعارات، صور خیال، بدیع، زبان روان، موزون و هماهنگ با غزل اشاره کرد.

ابتهاج مدتی به عنوان مدیر کل شرکت دولتی سیمان تهران به کار اشتغال داشت. منزل شخصی وی که از منازل سازمانی شرکت سیمان است در سال ۱۳۸۷ با نام "خانه ارغوان" به ثبت سازمان میراث فرهنگی رسیده است. دلیل نامگذاری این خانه به خانه ارغوان وجود درخت ارغوان معروفی در حیاط خانه است که ابتهاج شعر مشهور ارغوان را برای این درخت سروده است.

این چنین بر جگر سوختگان
 داغ بر داغ می افزاید
 ارغوان پنجه‌ی خونین زمین
 دامن صبح بگیر
 وز سواران خرامنده‌ی خورشید بپرس
 کی برین دره‌ی غم میگذرند؟
 ارغوان
 خوشه‌ی خون
 بامدادان که کبوترها
 بر لب پنجره‌ی باز سحر
 غلغله می آغازند
 جان گلرنگ مرا
 بر سر دست بگیر
 به تماشاگاه پرواز ببر
 آه بشتاب
 که هم پروازان
 نگران غم هم پروازند
 ارغوان
 بیرق گلگون بهار
 تو برافراشته باش
 شعر خون بار منی
 یاد رنگین رفیقانم را
 بر زبان داشته باش
 تو بهوان نغمه ناخوانده‌ی من
 ارغوان
 شاخه‌ی هم خون جدا مانده من

● هوشنگ ابتهاج

ارغوان
 شاخه‌ی هم خون جدا مانده‌ی من
 آسمان تو چه رنگ ست امروز؟
 آفتابی ست هوا،
 یا گرفته ست هنوز؟
 من درین گوشه که از
 دنیا بیرون ست،
 آسمانی به سرم نیست
 از بهاران خبرم نیست
 آنچه میبینم
 دیوار است
 آه
 این سخت سیاه
 آنچنان نزدیک ست
 که چو بر میکشم از سینه نفس
 نفسم را بر می گرداند
 ره چنان بسته
 که پرواز نگه
 در همین یک قدمی می ماند
 کورسویی ز چراغی رنجور
 قصه پرداز شب ظلمانی ست
 نفسم میگیرد
 که هوا هم اینجا زندانی ست
 هر که با من اینجاست
 رنگ رخ باخته است
 آفتابی هرگز
 بر فراموشی این دخمه نیانداخته است
 کز دم سردش هر شمعی خاموش شده
 یاد رنگینی در خطر من
 گریه می انگیزد
 ارغوانم کجاست
 ارغوانم تنهاست
 ارغوانم دارد می گرید
 چون دل من که چنین خون آلود
 هر دم از دیده فرو می ریزد
 ارغوان
 این چه رازبست هر که بهار
 با عزای دل ما می آید؟
 که زمین هر سال از خون پرستوها رنگین است؟





صعب العبور بودن راه ها همچنین سرمای شدید ، یافتن سایر جانباختگان تا بهتر شدن اوضاع میسر نیست. این حوادث گویای سالی تلخ و پر حادثه برای ایران بود اما خواستم راجع به اتفاقات خوب هم بنویسم و غیر از صعود تیم ملی به جام جهانی و اعیاد سنتی و مذهبی چیز دیگری به ذهنم نرسید. شاید اصلا اتفاق خوب دیگری هم نیوفتاده باشد شاید هم حافظه ی ما ضعیف شده است. اگر اینگونه هم باشد طبیعی است جایی که مهم ترین مشکل مردم تأمین معیشت روزانه شان است جایی که مردم به دلیل مشکلات زیاد فرصتی برای تفریح ندارند. جایی که مردم راحت به هم دروغ و ناسزا میگویند جایی که مردمانش کتاب نمیخوانند جایی که مشکلات اجتماعی زیادی دارد اما با اهمیت به این موضوع که کی راهشو کج رفته که درباره اش صحبت کنیم دیگر دلیلی برای خوشحالی نمی ماند . در کشوری که مشکلات اقتصادی کمر مردم را خم کرده جایی که مردمش صورتشان را با سیلی سرخ میکنند و با چندر غاز سهام عدالت و یارانه شاد میشوند . حالا که به عید نزدیک میشویم و نوبت شادی و سرور است مردم بخاطر خرید عید روزهای آخر سال را نیز با سختی و مشقت طی میکنند و اگر اوضاع همینگونه بماند پیشرفتی حاصل نخواهد شد. با این حال امیدواریم که سال جدید برای همه ی ایرانی های عزیز سال خوب و همراه با موفقیت باشد و سالی باشد که دیگر بلایا و مصیبت های امسال تکرار نشود و همه ی ما در صلح و صفا و شادی در کنار یکدیگر زندگی کنیم .

با یک چشم بر هم زدن به آخرین ماه سال رسیدیم و سال ۹۶ هم مانند سال قبل رو به پایان است . سالی که اتفاقات و خاطرات زیادی برایمان بهر جای گذاشت . جدا از اتفاقاتی که جنبه ی شخصی داشتند اتفاقات تلخ و شیرین برای جامعه ی ما نیز کم نبود ، این در صورتی است که اتفاقات تلخ بیشتر به چشم میخورد. از جمله؛ مشکلات اقتصادی اجتماعی گرفته تا بلاهای طبیعی مانند خشکسالی، گرمای بی سابقه ، خشک شدن آب رود ها، گرد غبار هوای اهواز و آلودگی هوای تهران و دیگر کلان شهر ها ، فقر و بی کاری گسترده ی جوانان گرفته تا بلایای بزرگی که گریبان کشورمان را گرفته و قصد رها کردن آن را ندارد . اتفاقاتی که همه ی مردم را شوکه کرد. انفجار معدن زغال سنگ آژادشهر واژگون شدن اتوبوس دانش آموزان هرمزگانی تا زلزله ی شدید کرمانشاه که مردمانش تا به امروز هم در این سرمای زمستانی در چادر و کانکس زندگی میکنند هنوز در شوک این زلزله بودیم که پس لرزه های نسبتا شدید آن به تهران هم رسید و باعث وحشت مردم شد. هنوز این زلزله ها تمام نشده بود که آتش گرفتن نفتکش سانچی آن هم کیلومتر ها دور تر از وطن و پر کشیدن خدمه ی آن قلب مردم کشورمان را سوزاند. پس از مدتی حادثه ی تلخ زمینی و دریایی دیگری به وقوع پیوست و به دنبال آن سقوط هواپیمایی که تهران را به مقصد یاسوج ترک کرد اما به مقصد نرسید و تمام مسافران و کادر پرواز آن به دیار باقی شتافتند و مسئله ی عذاب آور این حادثه این است که شمار اندکی از جانباختگان این پرواز پیدا شدند و به دلیل سردی هوا و

سرگرمی و تست هوش

توجه داشته باشید که باید بدون مکث جواب بدید؛ هر سوال فقط ۳ ثانیه

شويد، آیا قادر به خواندن نوشتن و انجام جدول ضرب خواهيد بود؟

آری - خیر - هیچ کدام

۱۲) آیا امکان دارد يك نفر سريع تر از رودخانه می سی سی پی شنا کند؟

آری - خیر - هیچ کدام

۱۳) آقای بیل اسمیت و خانم ژانت اسمیت از هم طلاق می گیرند. پس از مدتی خانم ژانت اسم اولیه خود را پس می گیرد. با این حال، پس از پنج سال با اینکه هنوز از آقای بیل اسمیت طلاق گرفته است، دوباره خانم ژانت اسمیت می شود. آیا این قضیه امکان پذیر است؟

آری - خیر - هیچ کدام

۱۴) آقای جیم کوک مشکوک به قتل است ولی وقتی که پلیس از او سوال می کند که در موقع قتل کجا بوده است، آقای جیم می گوید در خانه مشغول تماشای سریال مورد علاقه ام بوده ام. حتی جزئیات سریال را برای پلیس شرح می دهد. آیا این موضوع ثابت می کند که آقای جیم بی گناه است؟

آری - خیر - هیچ کدام

۱۵) یک شترمرغ تصمیم می گیرد که به وطنش بازگردد. چه موقع برای پرواز او به جنوب مناسب است؟

بهار - پاییز - هیچ کدام

۱۶) جمله بعدی صحت دارد. جمله قبلی غلط است. آیا این قضیه منطقی است؟

آری - خیر - هیچ کدام

۱۷) آیا امکان دارد که یک اختراع قدیمی قادر باشد که پشت دیوار را به ما نشان دهد؟

آری - خیر - هیچ کدام

۱۸) اگر بخواهید یک نامه به دوست تان بنویسید، ترجیح می دهید با شکم پر یا با شکم خالی بنویسید؟

پر - خالی - هیچ کدام

۱) یک فروند هواپیما در مرز آمریکا و کانادا سقوط می کند. بازماندگان از سقوط را در کجا دفن می کنند؟

کانادا - آمریکا - هیچ کدام

۲) یک خروس در بام خانه ای که شیب دوطرفه دارد، تخم می گذارد. این تخم از کدام طرف می افتد؟

شمال - جنوب - هیچ کدام

۳) خانمی عاشق رنگ قرمز است و تمام وسایل او به رنگ قرمز است. او در آپارتمانی یک طبقه که قرمز رنگ است، زندگی می کند. صندلی و میز او قرمز رنگ است. تمام دیوارها و سقف آپارتمان قرمز رنگ هستند. کفپوش آپارتمان و فرش ها نیز قرمز رنگ هستند. تلویزیون هم قرمز رنگ است. سریع پاسخ دهید که پله های آپارتمان چه رنگی هستند؟

قرمز - آبی - هیچ کدام

۴) پدر و پسری را که در حادثه رانندگی مجروح شده بودند، بیمارستان می برند. پدر در راه بیمارستان فوت می کند ولی پسر را به اتاق عمل می برند. پس از مدتی دکتر می گوید من نمی توانم این شخص را عمل کنم، به علت اینکه او پسر من است. آیا به نظر شما این داستان می تواند صحت داشته باشد؟

آری - خیر - هیچ کدام

۵) اگر چهار تخم مرغ، آرد، وانیل، شکر، نمک و بیکنینگ پودر را با همدیگر مخلوط کنید، آیا کیک خواهید داشت؟

آری - خیر - هیچ کدام

۶) آیا می توانید از منزلتان بالاتر پرش کنید؟

آری - خیر - هیچ کدام

۷) یک کیلوگرم آهن چند گرم سنگین تر از یک کیلو گرم پنبه است؟

۱۰۰ گرم - هیچ کدام

۸) مردی به طرف یک پلیس که در حال جریمه کردن اتومبیل بود، می رود و التماس می کند که پلیس جریمه نکند ولی آقای پلیس قبول نمی کند. به پلیس نه یک بار بلکه هشت بار بد دهنی می کند. جواب دهید که این مرد چند بار جریمه خواهد شد؟

۸ بار - ۹ بار - هیچ کدام

۹) اگر تمام رنگ ها را با هم مخلوط کنید، آیا رنگین کمان خواهیم داشت؟

آری - خیر - هیچ کدام

۱۰) گرگی به بالای کوه می رود تا غرش شبانه اش را آغاز کند. چه مدت طول می کشد تا به بالای کوه برسد؟

دو شب - پنج شب - هیچ کدام

۱۱) اگر به طور اتفاقی وارد کودکستان دوران کودکی تان شوید،

اگر تعداد جواب های صحیح شما بین صفر تا ۵ بود، معنایش این است که شما به طرز وحشتناکی به جزئیات بی توجهید. حواستان کجاست.

اگر تعداد جواب های درست بین ۶ تا ۱۰ بود، نسبتاً بد نیست، اگر چه این نشان می دهد که چندان به جزئیات توجه نمی کنید. شاید دارید به مسائلی توجه می کنید که بقیه به آنها توجه نمی کنند. خدا کند این طور باشد!

اگر تعداد جواب های درست شما بین ۱۱ تا ۱۵ بود، بسیار خوب است. شما خوب به جزئیات توجه می کنید. خدا خیرتان بدهد!

اگر تعداد جواب های صحیح شما بین ۱۶ تا ۱۸ بود، یعنی شما یک پاشرلوک هولمز هستید. احسنت!



پاسخ سوالات:

۱) هیچ کدام. بازماندگان که زنده هستند نیازی به دفن کردن ندارند.

۲) هیچ کدام. خروس که تخم نمی گذارد!

۳) هیچ کدام. آپارتمان یک طبقه که راه پله ندارد!

۴) آری. اگر این سوال را نتوانستید جواب دهید، وای بر شما. دکتر یک خانم جراح است یعنی این شخص مادر پسر است!

۵) خیر، شما پیش از اینکه کیک داشته باشید باید آن را بپزید!

۶) آری، بپرید و ببینید که خانه شما چقدر می پرد!

۷) هیچ کدام. یک کیلوگرم آهن با یک کیلوگرم پنبه به طور دقیق برابر هستند.

۸) هیچ کدام. خودرو به آن مرد تعلق ندارد.

۹) خیر. رنگ خاکستری خواهید داشت.

۱۰) هیچ کدام. گرگ پیشتر بالای کوه است.

۱۱) آری، شما فقط از کودکانستان دیدن می کنید و با همین شرایطی که الان دارید فقط وارد کودکانستان شده اید.

۱۲) آری، چون که رودخانه ها که قادر به شنا کردن نیستند!

۱۳) آری ژانت با یک آقای دیگر که فامیل اش اسمیت بوده، ازدواج کرده است.

۱۴) خیر. چون که ممکن است این سریال تکراری باشد و او پیشتر این سریال را دیده باشد.

۱۵) هیچ کدام. شتر مرغ که قادر به پرواز نیست.

۱۶) هیچ کدام. چون که جملات متضاد هم هستند.

۱۷) آری. پنجره یک اختراع قدیمی است که به وسیله آن می توان پشت دیوار را مشاهده کرد!

۱۸) هیچ کدام. بهتر است که یک نامه عاشقانه را با قلم و کاغذ بنویسید و با شکم نمی توان نامه نوشت!

شعر دانشجویی

آهوان در ره کوچند ولی
بیشه ای در راه است
گرگ ها پشت درختان پنهان
کر کسی چشم به آهوی زمین خورده و زخمی دارد...

بلبلی می خواند
و چنان می خواند
که تو گویی غم دیرینه ی دلبر دارد

آهوان در ره کوچند هنوز
بی خبر از شب تاریک پر از تلخی ها!!
و غم انگیزترین لحظه ی کوچ،
گذر از لحظه ی برخورد مخوف دونگاه است
و ترس،

می مکد خون امید دل هر آهو را
جغدها بیدارند!!
علی اصلانی کتولی



و در آن کلبه ی چوبی
که فانوس خیالت در کنج اطاق
زمزمه میکند، تابشی بدون نور را
و من در پی خویشتن
در پی ریشه ی گم کرده در درخت...
در پی آن سردی آسمان گرفته از مه
در کنج اطاقش، تنها
فارغ از جمع جمیع خوبان
فارغ از شور و نشاط دوستان
در پی خویشتنم...

هانیه سادات موسوی / پژوهشگری ۹۶



مادر بهار است

#روز_مادر_مبارک